

سرشناسه : روحانی قوچانی، علی، ۱۳۶۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : دین‌داری عالمانه/ علی روحانی قوچانی ؛ با نظارت مجید فاطمی ارفع . به سفارش گروه
 جهادی تبلیغی مدرسه علمیه رشید هجری .
 مشخصات نشر : کرج : پیدار، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری : ۳۳۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۹-۳۶۱-۶
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه.
 موضوع : دینداری - متفکرانه - عالمانه
 موضوع : Religiousness
 شناسه نزوده : فاطمی ارفع مجید، مدرسه علمیه رشید هجری. گروه جهادی تبلیغی
 رده بندی کنگره : ۵۰۱۶۲۳ / ۹۵۹۷ ۱۳۹۷
 رده بندی دیوید : ۴۲۱/۷
 شماره کتابشناسی : ۴۰۷۲۰۰۰



❖ نام کتاب: دین داری عالمانه

❖ مؤلف: علی روحانی قوچانی

❖ ویراستار: کورش نصیری

❖ طراح جلد: قوسیپان

❖ ناشر: پیدار

❖ نوبت چاپ: اول

❖ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

❖ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۹-۳۶۱-۶

❖ قیمت: ۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ است

نشانی: کرج - رجایی شهر - فاز ۲ - خیابان ۷ غربی - پلاک ۹۰

۰۹۱۲۹۱۵۶۷۴۸ - ۰۲۶۳۴۲۱۰۵۰۳ - ۰۲۶۳۴۲۱۰۵۰۷

Pidar.pub@gmail.com

.... فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۶	 وضعیت موجود
۲۴	 دین ناب
۴۴	 دین عاقلانه
۶۷	 دین داری عامیانه
۷۲	 جذب حداکثری
۷۴	 جوزدگی و راحت طلبی
۸۸	 دین داری فردی
۹۰	 آثار سوء دین داری عامیانه
۹۴	 انگیزه عامیانه
۹۷	 دین عاشقانه
۱۰۶	 دین عارفانه
۱۱۵	 دین داری عالمانه و اجزای آن
۱۱۵	 احساس نیاز

۱۱۲۰.....	آفات احساس نیاز.....
۱۲۲.....	انگیزه.....
۱۳۰.....	کارکرد انگیزشی عقل.....
۱۳۲.....	شیوه‌های اندازه‌گیری انگیزش عقلانی در انسان.....
۱۳۴.....	عوامل محیطی بر انگیزش.....
۱۴۱.....	زاویه دید.....
۱۴۵.....	نگاه برداشته‌ها و استعدادها موجود.....
۱۴۶.....	آگاهی، وضع، مطابقت.....
۱۵۴.....	برنامه و نقش.....
۱۶۵.....	ویژگی‌های دستورالعملی.....
۱۷۵.....	اعتقاد و امید به تحقق وضع مطلوب.....
۱۸۳.....	اشتیاق به دین.....
۱۹۱.....	اقدام برای دین‌داری.....
۲۰۰.....	اقدامات فردی.....
۲۰۰.....	مدیریت فعالیت‌های روزمره.....
۲۰۶.....	مبارزه با نفس.....
۲۱۶.....	لذت.....
۲۲۷.....	ادب.....
۲۳۳.....	ولایت.....
۲۳۸.....	مدیریت رنج.....

۲۴۶.....	سنجش هدف
۲۴۷.....	اقدامات اجتماعی
۲۵۱.....	تشکیل نظام اسلامی
۲۵۷.....	دین حکومتی
۲۶۶.....	سطوح دین داری
۲۷۲.....	تبلیغ دین عالمانه
۲۷۶.....	دانستن نافی نیست
۲۸۲.....	کاشیدن نافی عصیان
۲۹۳.....	درگیری بابت دینی عقلانی
۲۹۸.....	دین حداکثری
۳۰۴.....	محدودیت های دین
۳۱۰.....	سبک قالبی بیان
۳۱۷.....	کار تشکیلاتی
۳۲۳.....	منابع

مقدمه

دین و باورها از دینی از مهم ترین ارزش های حیات آدمی به شمار می رود و از زوایای دونا گرس جامعه شناختی، اجتماعی، کلامی و فلسفی قابل توجه است. گرچه کتابی از دانشمند فراوانی در باب دین داری نگاشته شده است، اما تجزیه و تحلیل دین داری به سبک عقلی منطبق با فطرت اصیل با زاویه این نگاه که نسل امروزی را علاقه مند به دین نماید کمتر مورد گفتگوی عالمانه در سطح عوام قرار گرفته است. البته انواع دین داری مانند عارفانه، عوامانه و عاشقانه، عاطفی و ... خوب است ولی تا جایی می تواند آدمی را بکشانند.

در شبکه معارف دینی و مباحث انسان شناسانه، مباحث استدلال و کاربردی بر پایه معارف اهل بیت علیهم السلام ارائه شده است. نگاه غیر عالمانه به دین پدیده ای تقریباً همه گیر است. وقتی سطحی به دین نگرینیم و تئوری های دینی را در قالب عقلی و با زبان عوام، بیان نکنیم و تحلیل عالمانه از دین ارائه ندادیم امکان بد دین داری یا دین گرایی وجود دارد. وقتی نگاه عالمانه را پررنگ کردیم، سؤال ها یکی یکی می جوشد و فکرها به کار می افتد، همه ما در اثر جوشش این سؤال ها و سپس نزدیک شدن به پاسخ آن ها، وظایف خود را در برابر خدا، هستی و دیگران بهتر خواهیم شناخت. بارها این مسئله به ذهنم خطور کرد که ما دین را قبول داریم، عمل هم می کنیم، اما چقدر دین را دوست داریم؟ چرا با کوچکترین شبهه ای به آن

شک می‌کنیم! چه نیازی است خداوند بفرماید «یا ایها الذین آمنوا آمنوا!»^۱
 شاید نگاهمان به دین صحیح نیست. چرا خیلی‌ها از دین فرار می‌کنند!
 مگر قرآن نمی‌گوید: «ورایت الناس فی دین الله افواجا». همه فوج فوج وارد
 دین می‌گردند. ولی چرا دین وارد ما نمی‌گردد!

در عصری که توجه به مفهوم کلیدی دین بیش از هر زمان فراگیر شده،
 مباحث مطرح شده در این کتاب می‌تواند سرفصلی پیرامون موضوعات
 گسترده دینی فرارگشته و استفاده گردد.

کسی که می‌خواهد درست دین‌داری کند باید نقشه جامع دین دستش
 بیاید. امروزه بسیاری از آن، درباره دین ارائه می‌شود، نظام‌مند نیست؛
 فقط منظم است! ما می‌خواهیم به صورت «نظام‌مند» به دین نگاه کنیم،
 درحالی‌که بسیاری از اوقات، معرفت اینی را در کتاب‌ها به صورت منظم در
 کنار هم می‌چینند ولی «نظام» معرفت دینی و نقشه جامع دین را به دست ما
 نمی‌دهند. مثلاً می‌گویند: «احکام، اخلاق، عبادت» درحالی‌که تا وقتی این‌ها
 نظام‌مند نباشند، نمی‌شود با این‌ها خانه دین را ساخت و از آن استفاده کرد.
 لذا باید قبل از بحث از خدا از جای دیگری آغاز نمود که از آن، به معرفت‌شناسی
 انسان تعبیر می‌گردد.^۲

معمولاً یکی از آفت‌های مهم دیگر ما این است که دین‌داران در موقعیت
 خودشان درجا می‌زنند! مثلاً می‌گوید: «من که نمازم را می‌خوانم، ای - اگر

۱. در مباحث اخلاقی چرا همیشه به سراغ امور فرعی و یا سرشاخه‌ها برویم و روی آن‌ها
 کار کنیم؟ مثلاً چرا باید ابتدا به سراغ شکر برویم و همه هم خوششان بیاید ولی بعد هم
 هیچ‌کس شاکر نشود و آخرش هم بگوییم شکر عجب چیز خوب است. مگر نفس سرکش
 اجازه شاکر شدن به انسان می‌دهد! ما زمانی می‌توانیم درباره مفاهیم زیبا و خوبی مثل
 «شکر»، «صبر» و «سخاوت» و... صحبت کنیم که مسیر اصلی را طی کنیم حال مسیر
 اصلی چیست؟ رک. سخنرانی‌های پناهیان.

۲. رسول خدا ﷺ فرمود: من عرف نفسه فقد عرف ربه. مصباح الشریعه، ص ۱۳.

خانم باشد - می گوید: «من که حجابم را دارم!» یا می گوید: «من که گناه نمی کنم و به کسی ظلم نمی کنم!» فقط همین! مگر تو آفریده شده بودی برای اینکه تصادف نکنی؟! ماشین مسابقه ای به تو داده اند که چراغ سبز و قرمز را رعایت کنی؟! این ماشین برای رفتن در پیست مسابقه است! حیف این ماشین که حداقلی از آن استفاده شود.

نشسته است دین را وسیله ای قرار دهیم برای رشد فوق العاده مؤمنین؛ به رشد معمولی!

رسول خدا ﷺ فرمود هر چیزی تکیه گاهی دارد و تکیه گاه این دین، فهم است! لذا بدین فهم دقیق از دین، نمی توانیم دین دار خیلی خوبی بشویم.

قبل از تعریف دین، ابتدا باید «انسان» و «زندگی» را تعریف کنیم! وقتی فهم و تعریف دقیقی از دین نداشته باشیم، نمی توانیم دستورات دین را درست اجرا کنیم. علت دین دار نبودن خیلی ها این است که تعریف دین را دقیق نمی دانند یا دین داری را درست بلد نیستند یا از ضرورت آن بی خبرند.

کسانی که از چرایی و چیستی دین بی خبر ندارند، اگر هم دین دار باشند، دین داری ضعیفی خواهند داشت و به آن دین، زده می شوند

سه پرسش اساسی درباره دین: ۱. دین چیست؟ ۲. راه است؟ ۳. چگونه است؟

وقتی به عنوان یک مبلغ و محقق که باید جوان را جذب دین کند و بعد از آن تثبیتش نماید به انواع راهکارهای اجرایی در اجتماع خودمان نگریستیم به طور جدی تر و سازمان یافته تر سرگرم پژوهش و پاسخ به پرسش هایی بودم لازمه این مسائل بود. چرا جوانان ما دین گریز شده اند؟ آیا اصلاً دین گریز شده اند؟

ابهام و پرسش های بسیاری باید پاسخ می گرفتند و گرفتند که حاصل این

پژوهش را پیش رو دارید.

نتیجه بیشتر ادعاها در این زمینه در نهایت غیر عملیاتی و غیر قابل هضم می‌انجامد غالب آثار به جای جست‌وجو در علل عادی و طبیعی پدیده‌ها و حوادث که قرآن و روایات بارها به آن اشاره نموده، در پی یافتن دست‌های پنهان حی در روند تربیتی و رشد افتاده‌اند و بسیاری از رویدادها را با این کلیه دشوده‌اند. در این‌گونه موارد خواننده از آغاز با نوعی فرا انسان زمینی روبه‌روست در حالی که به تأیید قرآن تدبیر این امور نیاز به دانایی و توانایی‌ای دارد که از عرصه احسان جز رب خالق بر نمی‌آید. این دست نوشتارها هرچند دارای ارزش و اعتبار ویژه‌ای خود هستند، از دیدگاه عملیاتی و تجربی و روشمند گرفتار این ناهنجاری‌اند که برای کاوش در پدیده‌ها و در نهایت رسیدن به پاسخ روشن، در همان مرحله سنتی غیر روشمند خود بازمانده‌اند گویی حلقه‌ای مفقوده در این وسط وجود دارد. فارغ از اینکه بنا بر گفتمان قرآن از عوامل طبیعی و واقعی بهره برده و پیش‌زمینه‌های روانی و جامعه‌شناختی خود را داشته‌اند.

بسیاری از این نوشتارها و روش‌ها، از آغاز با ارزش‌نمایی خاص، همه‌چیز را از سیر طبیعی بیرون می‌برند و خواننده در نهایت با عللی بی‌شاخ و دم روبه‌رو می‌شود.

در این نوشته فرض را بر این گذاشتم که با بررسی طبیعی و منطقی چارچوب و پارادایم دین به نتیجه و مدالیت‌های کلی از دین‌داری عالمانه خواهیم رسید. رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها نیازمند تدوین روشی بود که تا جای ممکن مسائل را کاربردی نموده و با قوانین طبیعی خلقت و قرآن، هم‌خوان و هم‌آهنگ باشد. باید در چارچوب آموزه‌های وحیانی و احادیث موثق و تفسیر طبیعی و تجربه از متدهای سابق پیش می‌رفتیم؛ مانند دانشی

در ریاضی به نام ترسیم رقومی، دانشی که با رؤیت اضلاع آشکار و محاسبه‌ی مهندسی یک ساختمان به طور منطقی حکم می‌کند که این ساختمان باید اضلاعی دیگر داشته باشد که چون پشت آن قرار دارد برای من نامرئی و نادیدنی است. برای شروع، آنچه در ذهنم بود همه را دور ریختم تا زمانی که به طور منطقی و با مثالی که گفتم، وجود آن قابل اثبات باشد. ما و پدران ما هیچ‌کدام ملائک و جبرئیل را ندیده‌ایم، اما فقط آنگاه که به طور منطقی، به خدا و به طور یقینی به نبوت پیامبر اکرم ﷺ ایمان آوردیم و صدق کلام او برایمان ثابت شد، به وجود ملائک باوری قطعی می‌یابیم زیرا روندی منطقی را طی کردیم. مسیحه‌ی چنین روندی باور یقینی است. درباره دین داری عالمانه و روش‌های جدید، یک جوان به دین اعتقاد دارم این روند طی نشده یا مبهم است.

دو نگاه کلی درباره دین داری وجود دارد که زوایای دید دیگر در زیر سایه این دو نگاه به فرعیات تقسیم می‌شود نگاه اول: نگاهی افراطی و مبهم و رازآلود است که به شکلی بیشتر انحرافات را به جامعه و محیط ارجاع می‌دهد. این نگاه مخاطب را به اینجا می‌رساند که بشر را به خود مشغول باشد و منتظر بماند تا دستی از پرده‌ی غیب بیرون آید. بیشتر تألیفات و پژوهش‌های منتشر شده‌ی این نگاه فاقد ارزش نظری و کاربردی است. این دست سخنان و نوشته‌ها نه تنها شفاف‌سازی و ترسیم سیری طبیعی و منطقی و در کل یک فهم باورپذیر را در پی ندارند بلکه هم مایه‌ی سرگرمی و هم مایه‌ی سردرگمی است. مخاطب با این نگاه تحلیلی جذب دین نمی‌شود و اگر هم بشود مانایی اش اندک بوده.

نگاه دوم: نگاه کسانی است که با پاک کردن صورت مسئله، منکر آیات و روایات دینی نه به طور علنی می‌شوند و حتی چشمان خود را بر واقعیات عینی می‌بندند.

حال نظر به این اطلاعات غلط، پایه‌ی نتایج غلط و نشانی اشتباه مایه‌ی گم کردن راه است. تصور نگارنده این سطور آن است که ارائه‌ی روایتی طبیعی، عقلانی، قرآنی و در نهایت کاربردی می‌تواند ما را در شناخت راست و درست وضعیت کنون و آینده‌ی یاری کند. در فصل‌های پیش رو خواهیم کوشید به روانی منطقی و منسجم و باورپذیر دست یابیم آنگاه با بهره‌گیری از روایات، سنت‌های الهی و قوانین عادی در جنبه‌های گوناگون حاکم بر زیست بشر و بهره‌گیری از آیه‌ها، بخش‌های، چالش‌های خطیر پیش روی آن را واضح‌تر ببینیم. اثر حاکمان آنگاه فطرت گونه و روشمند با بهره‌گیری از آیات و روایات به بررسی روش‌های دین‌داری یک انسان و انواع دین‌داری‌اش و مختصات فکری او می‌پردازد. این امر منجر به زحمات اساتید پیشین و کنونی حقیر است و یافتن پاسخ پاره‌ای از پرسش‌هایم را از مطالعه آثار و مشورت‌های بی‌دریغ حضرات حجج الاسلام پناهیان و غافل از رفع می‌دانم.

در پایان ضمن تقدیر و تشکر از خوانندگان درخواست دارم با نظرات اصلاحی خود موجبات غنای بیشتر این اثر را فراهم آورند.

وضعیت موجود

بی‌جا نیست اگر انتظار داشته باشید از همین صفحه به پرسش‌هایی بپردازم که در صفحات نخست مطرح کردم اما پاسخ آن‌ها منوط به روش تحقیق و داشته‌های تحلیلی مبتنی بر سنت‌های الهی است.

تضاد اصلی و اساسی‌ترین اختلاف آدمیان در تاریخ، حوزه‌ی دین و قوانین آن است.^۱ دین منشأ حقوق و تکالیف (بایدها و نبایدها)ی مادی و معنوی انسان‌ها است. از سویی شاخص داور در غریزه‌ی منفعت‌جویی و در اختیار

۱. دین مجموعه حقوق و ارزش‌هایی است که متون دین از آن‌ها حکایت می‌کنند پس نسبت بین متون دین و دین نسبت حاکی و محکی است.